



سخنرانی مریم رجوی در بنیاد مطالعاتی لوئیجی این آودی در ایتالیا

۲۲ تیر ۱۴۰۲

روز پنجشنبه ۲۲ تیر، به دعوت بنیاد لوئیجی این آودی مریم رجوی در جلسه‌ی در این مرکز تحقیقاتی شرکت کرد و در مورد بحران‌های اقتصادی و اجتماعی گریبانگیر رژیم آخوندی و آخرین تحولات قیام و مقاومت مردم ایران و سیاست درست در مقابله با این رژیم سخنرانی کرد و به سوالات مختلف پاسخ داد.

بنیاد این آودی ۶۲ سال پیش تشکیل و به اسم اولین رئیس جمهور ایتالیا بعد از جنگ دوم جهانی نام‌گذاری شده است و یک مرکز تحقیقاتی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در ایتالیا است. دبیرکل این بنیاد، سناتور آندرا کونجینی در ابتدای این جلسه، ضمن خیرمقدم به مریم رجوی گفت مهم است که افکار عمومی غرب به طور مداوم از آن‌چه در ایران می‌گذرد مطلع باشند و برای آرمان یک ایران دموکراتیک مهم است که توجه عمومی در غرب کم نشود. ما در فراخوانی از دولت‌های اروپایی و غربی خواستیم تا با هم حرکت کنند. ما در طرف خاصی نیستیم، ما در کنار مردم ایران هستیم.

من طرح ۱۰ ماده‌ی خانم رجوی را خوانده‌ام، در مورد حق رأی همگانی صحبت می‌کند، از برابری زن و مرد و در مورد آزادی مطبوعات صحبت می‌کند، از پلورالیسم و پارلمانتاریسم صحبت می‌کند و هیچ کدام از آن ۱۰ ماده نیست که کسی در ایتالیا یا در جهان که خود را آزادی‌خواه می‌داند، با آن موافق نباشد. بنابراین اگر این مبنای حرکت است، این برنامه و مبنای حرکت ما نیز هست!

سپس سناتور جولینو ترتزی، که در عین حال هماهنگ‌کننده امور بین‌الملل و کمیته علمی بنیاد لوئیجی این آودی است، طی سخنانی به بیانیه اکثریت سنا و مجلس نمایندگان ایتالیا اشاره کرد و گفت: امضای این بیانیه توسط اکثریت مجلسین ایتالیا، تأییدی است بر این که اعتقاد به شورای ملی مقاومت ایران و مجاهدین خلق، که بخش بزرگ این شورای گسترده به رهبری خانم مریم رجوی را تشکیل می‌دهند، تا چه اندازه دقیق و

شناخته شده و ریشه دار است.

سناتور ترتزی در پایان خواستار چند اقدام عملی شد، از جمله: مبارزه با تروریسم، تعطیل کردن مراکز رژیم که از تروریست‌ها حمایت می‌کنند، قطع همکاری‌های تجاری و بازرگانی و قطع همکاری‌های امنیتی بین‌المللی با سپاه پاسداران و نهایتاً گذاشتن این سپاه در لیست سازمان‌های تروریستی.

مریم رجوی، در سخنرانی خود در این جلسه، به بررسی وضعیت انفجاری جامعه ایران و چنگ انداختن سپاه پاسداران بر بخش اعظم اقتصاد کشور پرداخت و گفت: دست کم نیمی از تولید ناخالص داخلی ایران در فعالیت‌های مالی و تجاری شرکت‌ها و بنیادهای ولایت‌فقیه و سپاه پاسداران در گردش است. هزینه سپاه پاسداران، بسیج، گروه‌های شبه‌نظامی نیابتی در لبنان، فلسطین، سوریه، عراق و یمن، به‌علاوه برنامه موشکی و اتمی و ساخت پهپاد، روی دوش اقتصاد ایران سنگینی می‌کند.

سپس آقای جورجیو روتلی سردبیر نشریه فورمیکه مدیریت برنامه را به عهده گرفت و سوالاتی را در مورد وضعیت اقتصادی و اجتماعی ایران و برنامه‌های مقاومت به بحث گذاشت. متن سخنرانی مریم رجوی در این جلسه را در این جا می‌خوانید:

مریم رجوی: وضعیت اقتصادی کشور، آینه دوره پایانی دیکتاتوری دینی است

ایران، در ماه‌های اخیر بیش از هر چیز با قیام گسترده مردم برای سرنگونی رژیم حاکم شناخته می‌شود. هم‌چنین از دیرباز با نفت، گاز و یک بازار مصرف روبه رشد معروف بوده است. این وضعیت سوال مهمی پیش می‌آورد: چرا رژیم حاکم با استفاده از این ثروت عظیم، نارضایتی انفجاری جامعه را کاهش نمی‌دهد؟ این سوال وضعیت اقتصادی ایران را روشن می‌کند.

دست کم نیمی از تولید ناخالص داخلی ایران در فعالیت‌های مالی و تجاری شرکت‌ها و بنیادهای ولایت‌فقیه و سپاه پاسداران در گردش است.

آن‌ها به لحاظ کمی و کیفی نیروی هژمونیک اقتصاد ایران‌اند. آن‌ها مالیات نمی‌دهند، درآمد‌هایشان وارد چرخه اقتصاد کشور نمی‌شود و علاوه بر درآمد شرکت‌های خود بین ۲۵ تا ۳۰ درصد بودجه سالانه دولت را می‌بلعند. هزینه سپاه پاسداران، بسیج، گروه‌های شبه‌نظامی نیابتی در لبنان، فلسطین، سوریه، عراق و یمن به‌علاوه برنامه موشکی و اتمی و ساخت پهپاد، روی دوش اقتصاد ایران سنگینی می‌کند.

بخش اعظم برداشت‌ها از «صندوق توسعه ملی» در سال‌های اخیر، توسط همین بخش صورت گرفته است. در نتیجه از ۱۵۰ میلیارد دلار ذخائر این صندوق، ۱۴۰ میلیارد آن برباد رفته است.

شرکت‌های سپاه پاسداران و ولایت فقیه و ام‌های عظیمی از بانک‌ها می‌گیرند که هرگز آن را پس نمی‌دهند. امروز نظام بانکی کشور در حال ورشکستگی است. قرار است ده بانکی که زیان می‌دهند در بانک‌های بزرگ‌تر ادغام شوند.

در نتیجه این سیاست‌ها؛ در ده سال گذشته، رشد اقتصادی ایران تقریباً صفر بوده است.

در حالی که در همین مدت یازده میلیون نفر به جمعیت ایران اضافه شده است. قدرت اشتغال‌زایی اقتصاد کشور در اغلب سال‌ها صفر یا بسیار کم است. جمعیت غیرفعال کشور به ۵۹ درصد رسیده است. نرخ سرمایه‌گذاری در سال گذشته به منفی ۶۰ درصد رسید.

هرچند ایران یکی از بزرگ‌ترین ذخایر گازی جهان را در اختیار دارد، اما برای تأمین گاز شهروندان در زمستان، ناچار است که گاز کارخانه‌ها و نیروگاه‌ها را قطع کند. تأمین برق مصرفی نیز به علت سرمایه‌گذاری ناکافی در سال‌های اخیر به شدت متزلزل شده است. تمام کشور در تنگنای بحران آب است.

منابع آبی کشور به علت دخالت دولت از جمله انتقال منابع آبی برای کارخانه‌های سپاه پاسداران به شدت آسیب دیده است.

کسری بودجه هر سال بیش از ۵۰ درصد است. شاخص قیمت کالاهای مصرفی در پنج سال گذشته ۴۸۳ درصد افزایش پیدا کرده است و نرخ تورم به حدود ۷۰ درصد رسیده است. وضعیت اقتصادی کشور، آینه دوره پایانی دیکتاتوری دینی است.

قیام‌ها در ایران بعد از سال ۹۶

به موازات آن پشتوانه اجتماعی رژیم به حد ناچیزی سقوط کرده است. قیام‌ها در ایران که از سال ۹۶ به فراز تازه‌یی رسید، شروع یک مسیر نیست بلکه بخش پایانی مسیری است که به تصادم میان جامعه با رژیم حاکم منجر شده است.

از دی ۹۶ تا به حال ۱۱ قیام سراسری شکل گرفته است. اصلاح‌طلبان رژیم که شریک همه جنایت‌ها بودند، سال‌ها تلاش می‌کردند میانه‌رو شدن رژیم را تبلیغ کنند. اما این قیام‌ها پایان کار آن‌ها را اعلام کرد.

قیام‌کنندگان نشان دادند که نه به گذشته بر می‌گردند و نه به وضعیت موجود تسلیم می‌شوند. بلکه به سوی آینده و برای یک جمهوری دموکراتیک در حرکت‌اند.

قیام‌ها در مسیر سرنگونی رژیم پیش می‌روند. کانون‌های شورشی بی‌وقفه در حال فعالیت‌اند و به اختناق حاکم ضربه می‌زنند.

استمرار قیام‌ها ناشی از دو عامل است:

اول نابسامانی‌های اجتماعی-اقتصادی که بر اثر سیاست‌های غارتگرانه خود رژیم ایجاد شده و روز به روز نارضایتی‌ها را بیشتر می‌کند و دوم وجود یک مقاومت سازمان‌یافته است که نارضایتی‌ها را به طرف قیام سمت می‌دهد.

موقعیت سرنگونی؛ کلید فهم مسأله ایران

چرا رژیم این همه به جنگ‌افروزی و تروریسم نیاز دارد؟ و چرا در کشوری که مردمش از فقرزده‌ترین مردم جهان هستند، دو تریلیون دلار صرف برنامه اتمی و ضررهای آن می‌شود؟ پاسخ این است که برنامه‌های اتمی و موشکی، ساخت پهپاد و ایجاد گروه‌های شبه‌نظامی نیابتی در منطقه، ابزارهای حفظ رژیم در برابر خطر سرنگونی است. این کلید فهم مسأله ایران است. علت وحشت‌زدگی رژیم از جایگزین دموکراتیک و درخواست‌هایش از دولت‌های غرب برای محدودسازی مقاومت ایران، علت کاهش ندادن سرکوب و حملات تروریستی‌اش در خارج ایران، بن‌بست این رژیم و اقداماتش برای جلوگیری از سرنگونی است.

این سیاست به طور گسترده‌یی باعث فقر، بیکاری، قحطی آب، بی‌خانمانی و بحران دارو و درمان شده است. به همین دلیل هر معامله‌یی با ایران، سود رساندن به شرکت‌های سپاه پاسداران و خامنه‌ای است و در نتیجه باعث تخریب اقتصاد ایران می‌شود.

رژیم برای حفظ قدرت خود سال به سال، مردم را فقیرتر و محروم‌تر می‌کند. در نتیجه سال به سال بیشتر بر نارضایتی‌های انفجاری می‌افزاید. یعنی شرایط عینی در جوشش است. به این دلیل قیام‌های پی‌درپی برای سرنگونی رژیم متوقف نمی‌شود و رژیم نمی‌تواند به تعادل پیشین برگردد.

پاسخ این رژیم و راه حل مسأله ایران در مردم ایران و مقاومت و قیام آن‌هاست. ائتلاف دموکراتیک شورای ملی مقاومت در پی برقراری یک جمهوری دموکراتیک بر اساس جدایی دین و دولت، برابری زن و مرد، خودمختاری ملیت‌ها، لغو حکم اعدام و هم‌چنین یک ایران غیراتمی است.

طرح ده ماده‌یی خلاصه مصوبات و برنامه شورای ملی مقاومت برای ایران آینده است که یک اجماع جهانی میان قانونگذاران و نمایندگان مردم اروپا و آمریکا در مورد آن وجود دارد.

بر اساس طرح شورای ملی مقاومت پس از سرنگونی رژیم، طی شش ماه یک انتخابات آزاد برای تشکیل مجلس مؤسسان برگزار می‌شود و قدرت به نمایندگان منتخب مردم منتقل می‌شود. این مجلس همزمان مسئول تدوین قانون اساسی خواهد بود.

سیاست درست در رابطه با ایران

من مولفه‌های یک سیاست درست در رابطه با ایران را در ۶ ماده با کمیته خارجی مجلس ایتالیا در میان گذاشتم و این‌جا تکرار می‌کنم.

شما ممکن است بگویید پیروی از این مولفه‌ها به دلیل موانع سیاسی و اقتصادی گریبانگیر کشورهای غربی، امکان‌پذیر نیست. اما تهدیدهای مبرم این رژیم ایجاب می‌کند که دست‌کم سمت‌گیری سیاست‌ها در این جهت باشد. متأسفانه برخی کشورهای اروپایی و غربی در جهت خلاف این مسیر حرکت می‌کنند و به تروریسم و جنگ‌افروزی و ناامنی در منطقه و جهان توسط این رژیم سوخت می‌رسانند.

این مولفه‌ها عبارتند از:

- ۱- نام‌گذاری سپاه پاسداران به‌عنوان یک سازمان تروریستی و مقابله فعال با حضور سپاه در خارج از مرزهای ایران اعم از سوریه، عراق، لبنان، یمن و ...
- ۲- به‌رسمیت شناختن حق مردم ایران برای دفاع از خود در برابر سپاه پاسداران و سرنگونی رژیم و استقرار یک جمهوری دموکراتیک براساس جدایی دین و دولت
- ۳- به کارانداختن مکانیسم ماشه و فعال کردن قطعنامه‌های شش‌گانه شورای امنیت ملل متحد تعطیلی تمامی برنامه‌های اتمی و برنامه‌های موشکی مغایر با قطعنامه‌های ملل متحد و بازرسی‌های بی‌قید و شرط از تاسیسات اتمی و موشکی.
- ۴- ارجاع پرونده نقض وحشیانه و سیستماتیک حقوق بشر به شورای امنیت ملل متحد و قراردادن سران رژیم ایران در برابر عدالت به‌خاطر ۴۰ سال نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت.
- ۵- قطع مراودات اقتصادی و اعمال تحریم‌های همه‌جانبه، به‌ویژه تحریم نفتی و بانکی و قطع شریان‌های مالی رژیم که تماماً در خدمت سرکوب، سلاح اتمی، تروریسم و مداخلات منطقه‌یی قرار دارد.
- ۶- و معرفی رژیم به‌عنوان تهدید صلح و امنیت جهان و قرار دادن آن تحت فصل هفت منشور ملل متحد.